

خرابات

با مردم در صحنه



جواد طوسی

● **خب، به سلامتی** تکلیف دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در همین مرحله اول روشن شد. از حالا به‌بعد باید به وعده‌های داده‌شده عمل شود و همه رای‌دهندگان در چارچوب مطالبات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و عدالت‌خواهانه‌شان باید جلو هرگونه فرصت‌سوزی را بگیرند. در کنار حماسه‌سازانی که براساس خاستگاه‌ها و انگیزه‌های ریشه‌دار تاریخی‌شان به صحنه آمده بودند، این شخص رئیس‌جمهور منتخب و وزرا و بازوهای اجرایی‌شان هستند که می‌باید حسن اعتماد دوباره مردم را ارج نهند و اولویت‌ها را در حوزه‌های مختلف در نظر بگیرند و نگاهی از سر صدق به آن مجموعه افرادی که بر هویت فردی، اجتماعی و فرهنگی‌شان اصرار دارند، داشته باشند. اگر خرد جمعی را عامل تعیین‌کننده این همدلی عمومی و همراهی اجتماعی بدانیم، دولت‌مردان این دوران باید با نگرشی واقع‌بینانه در رفع معضلات و جبران کم‌کاری‌ها (به‌ویژه در عرصه فرهنگی) در دوره قبلی ریاست‌جمهوری اهتمام ورزند.

همه افرادی که براساس دلایل و معیارهای شخصی و اجتماعی‌شان جزء رای‌دهندگان بوده‌اند، باید بی‌انگیزگی و انفعال را کنار بگذارند و هرکدام به سهم خود در پیشبرد و جهت‌دهی درست خومشی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، علمی، آموزشی و … دولت نقشی مؤثر داشته باشند. در اینجا اهمیت تشکل صنفی خانه سینما و نهادهای فرهنگی- هنری مانند «بنیاد سینمایی فارابی»، «حوزه هنری» و «سازمان فرهنگی- هنری شهرداری» احساس می‌شود. دیگر فرصتی برای احتیاط‌اندیشی، تعارف و مماشات و متقابلا موضع‌گیری‌های تحت‌جانی و برپروندهای حدفی و ضدفرهنگی نیست، اگر در یک دغدغه‌مندی مشترک دلمان برای این خاک و سرزمین می‌تپد و در نگاهی استراتژیک و آرمانی جست‌وجوگر فضای فرهنگی و مبتنی بر عدالت و کرامت انسانی هستیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه اختلافات و دسته‌بندی‌ها و افراط‌گرایی را کنار بگذاریم و به فرهنگ و هنر و انسان متعالی و جامعه اخلاق‌مدار و منضبط و متکی بر عقلانیت و روشن بینی و به‌دور از خشونت و تندروی و سیاست‌بازی و سیاست‌زدگی بیندیشیم. در اینجا بیش از همه روی سخنم با رئیس دولت دوازدهم است. آقای دکتر روحانی! از شما برادرانه می‌خواهم که حضور خودجوش مردم، به‌ویژه جامعه فرهنگی- هنری را در حمایت از خدوئان جدی بگیرید و با ارائه تعریفی اجرایی و کاربردی از «تدبیر و امید» در حوزه‌هایی که با معیشت و مناسبات فرهنگی- اجتماعی و حقوق شهروندی این مجموعه انسانی سروکار دارد، قدرشناس آنها باشید. بایباید تا دیر نشده «مردم‌شناسی» را در ترکیب دلخواهی از فرهنگ، اقتصاد و عدالت معنا کنید و با نگاهی مدبرانه ثابت کنید که با مردم و در کنار مردم بودن صادقانه و بی‌تظاهر (نه حسابگرانه و فرصت‌طلبانه)، پویولیسم نیست.

برلناله

رونمایی از فیلم جدید مجیدی در جشنواره برلین

● **شرق؛** فیلم «فراسوی ابرها» جدیدترین فیلم مجید مجیدی برای نخستین‌بار در «جشنواره بین‌المللی فیلم برلین» رونمایی خواهد شد. دومین پوستر این فیلم در بازار فیلم هفتادمین جشنواره بین‌المللی کن رونمایی شد. این فیلم، درباره رابطه یک خواهر و برادر با یک‌دیگر است؛ پس‌نوجوان و خواهر جوانش که در جریان اتفاقاتی به یک رشد روحی و نوعی بلوغ می‌رسند. این اثر با رعایت مؤلفه‌های سینمای مجیدی ساخته شده و قابلیت اکران شدن در ایران را هم دارد.عوامل فیلم همگی از چهره‌های شناخته‌شده سینمای هند هستند؛ از مدیر فیلم‌برداری آن «آتیل مهتا» گرفته تا «ویشال باردواج» (کارگردان مشهور هند که دیالوگ‌های فیلم را نوشته است. «ای، ار،رحمان» نیز بعد از ساخت موسیقی فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» برای دومین‌بار با مجید مجیدی همکاری داشته است. «ایشان کاتار»، برادر ناتنی شاهد کاپور، برای اولین‌بار با این فیلم بازیگری را تجربه کرد و نقش خواهر او را مالاویکا موهانان، دختر مدیر فیلم‌برداری مشهور هندی؛ یو. موهانان ایفا کرده است. پوستر فیلم و خط داستانی که از فیلم منتشر شده بیشتر «پچه‌های آسمان» مجیدی را به ذهن متبادر می‌کند. ایندیتایمیز در توصیف این پوستر نوشته است: «این پوستر در همان اولین نگاه تماشاگر را محو خود کرده و ذهن و فکر او را تسخیر می‌کند.» بنا بر این گزارش، «مجیدی» مدت‌های زیادی قصد ساخت یک پروژه سینمایی را در کشور هند داشت، تا آنکه استرنجام پس از اتمام فیلم «محمدرسول الله(ص)» به سراغ این پروژه رفت.

گزارش‌های اختصاصی «شرق» از جشنواره کن



انتقاد به سرمایه‌داری در ساحل لاجوردی

امیر گنجوی

جشنواره فیلم کن با فیلمی از «آرتو دپلشن» به نام «ارواح اسماعیل» افتتاح شد. سینمای دپلشن جهان یگانه و ویژه‌ای است و زبانی یکسره متفاوت و مشخص را در این چند سال برای خود خلق کرده است. سینمایی است که در آن تفاوت زمان‌ها به سادگی قابل تشخیص نیست؛ برای مثال به‌راحتی نمی‌توان تشخیص داد داستان فیلم در زمان گذشته رخ می‌دهد یا حال یا آینده. مسائل هویتی یکی از دغدغه‌های اصلی سینمای دپلشن است و البته بازی‌کردن با انتظارات بیننده یکی از چیزهایی است که از ایده‌های بنیادین سینمای او می‌دانیم. بازی با انتظارات ما از کاراکترهای تکراری یکی از ویژگی‌های درخشان و مورد توجه سینمای اوست.

در «ارواح اسماعیل» نیز تقریباً با همین ویژگی‌ها مواجهیم. فیلمی را به تماشا نشسته‌ایم که در آن شخصیتی به نام اسماعیل با بازی ماتیسو الماریک (هفتمین حضور این بازیگر در فیلمی از دپلشن) در حال ساختن فیلمی است و تا واپسین لحظه‌ها مشخص نیست یکی از کاراکترهایی که در داستان مطرح می‌شود، چه کسی از بازیگرهای آن فیلم است. با داستان عاشقانه اسماعیل روبه‌رو هستیم؛ کسی که ۲۲ سال از زن خود جدا افتاده و فکر می‌کند او از دنیا رفته است و بعد از ۲۲ سال این معشوقه برمی‌گردد و این در حالی است که اسماعیل زندگی تازه‌ای را با زنی دیگر آغاز کرده. طیف وسیعی از منتقدان نگاهی نسبتاً منفی به این فیلم داشتند و خیلی‌ها آن را بی‌ارزش قلمداد کرده و با شدیدترین نوشته‌ها بر آن تاختند. منتقد گاردین در نقد خود فیلم را کم و بیش زباله خواند. همچنین سؤال‌های بسیاری مطرح شده که آیا این فیلم در حد و اندازه یک استاندارد‌های این جشنواره بوده است یا نه؟

باید تا حدی با سینمای دپلشن همذات‌پنداری کرد و آشنا بود تا ارزش‌ها و اهمیت‌های این فیلم او واضح‌تر شود. همان‌طور که اشاره شد دپلشن ایده‌ها و رویکردهای خاصی نسبت به سینما، زمان و مکان و مخصوصاً تاریخ دارد. کارگردانی است که در آثارش زمان‌ها یک ساختار وحدت‌مدار خطی نمی‌سازند و اتفاقات بر هم تأثیر مثبت ندارند و در هر لحظه هر اتفاقی می‌تواند در سینمای دپلشن رخ دهد؛ ازاین‌رو در کارهای این فیلم‌ساز زمان یک ویژگی –به قول بنیامین- مسیانیک (یا موعودگر) می‌یابد و ذهنیت امروزی تقریباً منطق‌گرا در تقابل با این نوع رویکرد به زمان و داستان ممکن است واکنش‌هایی منفی بروز دهد.

فیلم برجسته دیگری که در روز اول تماشا کردیم «بی‌عشق» اثر آندری زویاگینتسف بود. کارگردان معروف روسی که دو سال قبل «لویاتان» را ساخته بود. فیلم به داستان زوج‌هایی می‌پردازد که امروز قادر نیستند چنان‌که باید به فرزندان‌شان توجه کنند. زوج‌هایی که بیشتر به دنبال هدف‌های شخصی خود هستند و به خاطر حفظ یک‌سری عرف‌ها و قانون‌ها مجبور به زندگی با هم‌اند. دراین‌میان شاهد سیر قربانی‌شدن پچه‌ای هستیم که در یکی از همین خانواده‌ها زندگی می‌کند. داستان‌پردازی و استفاده از سمبل‌ها تا حد زیادی کمک کرده تا این وضعیت تنهائی انسان‌های امروزی و اثرات تخریبی آن بر پچه‌ها به خوبی نشان داده شود؛ ولی از طرفی گاه احساس

سایه تروریسم بر «کن»

لادن موسوی

عصر شنبه ۲۹ اردیبهشت حدود یک ساعت فضای کن به‌شدت به هم ریخت و وحشت جای شادی و پیام و ایده‌ای که زویاگینتسف در فکر بیانش است؛ او این امکان را به تماشاگر نمی‌دهد که لحظه‌ای با خود به سیل حادثه‌ها فکر کند و پیرامون داستان و رویدادهایش به ثباتی نسبی برسد. همه‌چیز مستقیماً به تماشاگر منتقل می‌شود و داستان بی‌توجه به این حضور لازم تماشاگر شکل می‌گیرد. بازی‌های فیلم کاملاً در خدمت داستان‌اند و همچنین نمونه‌های درخورتوجهی از بازی‌های کاملاً کنترل شده‌ای هستند که لحظه‌های انفجاری در آنها کمتر دیده می‌شود. دراین‌میان فضا نقش بسیار مؤثری در فیلم پیدا کرده است و در بخش‌های زیادی می‌توانیم آن فضای سرد و خشک روسیه را ببینیم که کارگردان قصد دارد بر آن انگشت تأکید بگذارد.

انتقاد به جامعه سرمایه‌داری تنها معطوف به فیلم بی‌عشق نبود؛ اثر برجسته دیگری که در این چند روز به نمایش درآمد فیلم آخر «یونگ جون-هو» بود. داستان فیلم آخر این کارگردان، «اکجا»، درباره جهان معاصر سرمایه‌داری است؛ درباره اینکه در سرمایه‌داری معاصر چه بی‌رحمی‌هایی نسبت به حقوق حیوانات صورت می‌گیرد و وظیفه انسان‌ها در قبال این شرایط چه می‌تواند باشد. در ادامه روندی که در چند سال اخیر در سینمای یونگ جون-هو می‌توان یافت، این یک فیلم کاملاً جهانی است. با بازیگرهایی با پیشینه‌ها و معیارهای هالیوودی. نقش اصلی زن این فیلم را «تیلدا سوثوینتن» ایفا می‌کند و فیلم در مقیاسی وسیع و با بودجه‌ای چند برابر نسبت به کارهای اولیه این کارگردان کره‌ای ساخته شده است. باوجوداین چیزی

در برجسته‌تر می‌کند. تأکید بسیار بر پیام اجتماعی فیلم است؛ اینجا مدام تأکید می‌شود که هرگونه تغییر و رسیدن به شرایط بهتر تنها با یک حرکت فرمانانه امکان‌پذیر نیست و لازم است که افراد با هم همکاری و تعامل کنند. ما گروه مدافع حقوق حیوانات را می‌بینیم که وارد داستان می‌شود و سعی می‌کند قهرمان داستان را در رسیدن به هدف نهایی مسیر خود و ارتباط مؤثرتر با طبیعت یاری و کمک کند. سینمای ایران در کن نقشی برجسته دارد. –به قول بنیامین- «کن»، دو فیلم ایرانی به نمایش گذاشته شد؛ نخستین فیلم «لرد» به کارگردانی محمد رسول‌اف بود. درباره حضور فیلم و اینکه آیا چنین اثری صلاحیت شرکت در جشنواره را داشته یا نه بحث‌های زیادی از قبل مطرح بود. عده‌ای ادعا داشتند که فیلم سال گذشته به جشنواره کن فرستاده شده بود و اینکه حضور پس از یک سال جشنواره حاضر شده آن را نمایش بدهد، برای برخی پرسش برانگیز است. به‌هرحال اگر حاشیه‌های این موضوع را کنار بگذاریم فیلم «لرد» را می‌توان تا حد زیادی شبیه «لویاتان» ساخته قبلی آندری زویاگینتسف در نظر آورد. در «لرد» با شخصیتی روبه‌رو هستیم که در جامعه‌ای فاسد روزگار می‌گذراند. تمام اهرم‌هایی که در منطقه زندگی این فرد وجود دارند به وسیله فردی ثروتمند در همان منطقه تحت کنترل‌اند و این شخص از بیان کوچک‌ترین خواسته‌های «فورس‌ماژور» (Force Majeure) در بخش نوعی نگاه

جشنواره‌های قبلی و امسال با سال‌های قبلی، به خاطر تهدیدات تروریستی بسیار فرق می‌کند. ایرانی‌های این جشنواره هم دیروز همگی با شنیدن این تهدیدات به هم تلقن می‌زدند و هرکس هرچند نفر را که می‌توانست باخبر می‌کرد تا همه از آن‌ها فاصله بگیرند. تهدید به طور کامل رفع شد، اما فضا تا آخر شب در تمام شهر متشنج ماند. خلاصه که این اتفاق هم به خیر گذشت، ولی این موضوع باعث شد من از فیلم این کارگردان جابمانم که البته در نمایشی دیگر سعی می‌کنم ببینمش. اما غیر از این، دیروز فیلم دیگری هم به نام «میدان» (The square) به کارگردانی روبن استلند (Ruben Ostlund) در بخش مسابقه به نمایش درآمد. این اورال (L’Oreal) است، دیروز در کن حاضر بود و روی فرش قرمز رفت.

اداره کل ارشاد خراسان رضوی در گفت‌وگو با «شرق»

خبر کنسرت «تتلو» در مشهد تکذیب شد



مرجعی هستند که نباید تنها در راستای اهداف سیاسی از آنها بهره گرفت، بلکه باید همیشه در کنار آنها بود تا به جامعه شور و نشاط تزریق شود؛ همان‌طور که آقای روحانی گفتند ما تلاش‌مان بر این است که هرچه‌بیشتر فضا را عقلانی و گفتمانی کنیم و در این فضا می‌توان با دید بازتر سراغ مشکلات رفت. ما نگاهمان به موسیقی فاخر، موسیقی

زیر آسمان فیروزه ای

نکوداشت و نمایشگاه آثار پرویز کلانتری



● مراسم نکوداشت پرویز کلانتری هم‌زمان با نخستین سالگرد درگذشت این هنرمند نقاش، گرافیست و نویسنده، شامگاه شنبه ۳۰ اردیبهشت در تالار استاد شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار شد. به گزارش روابط‌عمومی خانه هنرمندان ایران، در ابتدای این مراسم که با حضور جمعی از هنرمندان برگزار شد، «محمد سریر» رئیس شورای عالی خانه هنرمندان ایران، با ذکر خاطره نخستین دیدارش با پرویز کلانتری گفت: من چون در شمار نسلی قرار نمی‌گیرم که پرویز کلانتری برای کتاب‌های درسی آنها تصویرسازی کرده است، دیرتر با او آشنا شدم و آشنایی ما به ۷۰وچندسال پیش و به واسطه ضبط آلبومی از سوی شاگردان هنرستان ثمین باغچه‌بان و همسرش در وین بازمی‌گردد. آبدین آغداشلو با بیان این مطلب که عمر دراز دردسرها و مصایب‌آزاد با خود همراه دارد و یکی از آنها ازدست‌دادن دوستان صمیمی است، گفت: متأسفانه من در این سال‌ها بسیاری از کسانمانند کیارستمی و کلانتری را از دست داده‌ام. آغداشلو با بیان این مطلب که به یاد ندارد اولین و آخرین‌بار کسی کلانتری را دیده است، گفت: اما خوب می‌دانم در دوره‌ای زندگی کردم که پرویز جزء عمده‌ای از این دوران بود و تاریخ هنر معاصر ایران را ده ۴۰ به بعد، بدون اشاره، یادآوری و ستایش پرویز کلانتری نمی‌توان نوشت. او همیشه حاضر بود و این حضور فقط یک حضور خاطره‌ای نبود؛ بلکه یک حضور نافذ و تأثیرگذار بود. علیرضا سمیع‌آذر با ادامه نشست ضمن تشکر از خانه هنرمندان ایران و خانواده کلانتری برای برپایی مراسم نکوداشت این هنرمند فقید، گفت: من اینجا هستم تا درباره میراث هنری این هنرمند سخن بگویم؛ شخصیت بزرگی که کارهای ارزشمندی را انجام داد. تصویرگری، انجام کارهای گرافیکی، نوشتن و نقاشی‌کردن، ازجمله کارهایی بود که کلانتری انجام داد؛ اما بدون شک مجموعه کارهای کویری این هنرمند که به کارهای کاھگل هم مشهور است، در تاریخ هنر خواهد ماند. این آثار در آینده دوری که دیگر کمتر کسی از نسل ما زنده خواهد بود، همچنان مورد توجه خواهد بود...

در این مراسم چهره‌هایی مانند علی مرادخانی، احمد مسجدجامعی، مجید رجبی‌معمار، لیلی گلستان، آبدین آغداشلو، محمد سریر، علیرضا سمیع‌آذر، محمدرضا اصلائی، سودابه فضائلی، جمال‌الدین اکرامی، اکبر عالمی، ناصر فکوهی، غلامرضا امامی، علی‌اکبر صادقی، فرزانه طاهره و ناهید کبیری حضور داشتند. هم‌زمان با برپایی این مراسم، نمایشگاهی از نقاشی‌های این هنرمند فقید در لابی خانه هنرمندان ایران برپا شد.

توضیحات سرپرست گروه «لیان» درباره موزیک ویدئوی انتخاباتی‌اش

● سرپرست گروه لیان پس از استقبال چندین میلیونی از موزیک ویدئوی انتخاباتی این گروه با عنوان «با هم می‌ریم، رایت می‌دیم» در حمایت از دکتر حسن روحانی، گفت: «کلیپ جنوبی «حمایت از دکتر روحانی» در آخرین ساعت‌های روز چهارشنبه، ۲۷ اردیبهشت‌ماه در فضای مجازی منتشر شد و موج خروشان جنوبی‌ترین موسیقی ایران با سرعت زیادی تا شمالی‌ترین نقطه این جغرافیای آسمانی رسید و شرجی نوای نی‌انبان، بداخلاقی‌ها و اضطراب‌های روزهای آخر را به شور و شادی گره زد.»محسن شریفیان، سرپرست لیان، پژوهشگر، نویسنده و موسیقی‌دان بوشهری دراین‌باره گفت: «ساز من هیچ‌وقت آن‌طور که باید با شرایط آنها کوک نشد. خیلی وقت‌ها تنها ماندم. خیلی وقت‌ها نی‌انبان لیان باد نشد که نفس در سینه‌ام حبس بود. با وجود این، بر آن شدم تا با تمام نواهایی که در این سال‌ها بغض شده، از دوستان موسیقی و فرهنگ دعوت کنم برای دوباره ایران و دوباره روحانی.»او تأکید کرد: «هیچ‌گاه آدم سیاسی و وابسته به جناح خاصی نبوده‌ام و این کار را با تمام قلمم برای آینده کشورم انجام داده‌ام. شاید موسیقی همچور بوشهر و بغض‌های سال‌ها، مانع‌الکاری سازنده این اثر در زادگاهش، چنین اقبال عمومی از آن را در پی نداشته است که آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند.»بازدید از این ویدئو در فضای مجازی و اشتراک آن میلیون‌ها بوده و یکی از معدود اثرهایی از این دست است که درصد بالایی از کاربران فضای مجازی آن را به تماشا نشسته و به اشتراک گذاشته‌اند.شریفیان خاطرنشان کرد: «این موسیقی براساس یکی از ملودی‌های قدیمی جنوبی ساخته شده است و استقبال از آن در روزهای حساس اردیبهشت امسال نشان داد که موسیقی همواره در کنار مردم و تحولات اجتماعی حضور داشته است.»